

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۴۶

جمعه ۲۲ دی ۱۳۹۶، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۸

یادداشت روزانه

طرحی برای گسترش سرکوب!

ترس و عقب نشینی جمهوری اسلامی

آرش دشتی

صفحه ۹

اعلامیه سازمان سوسیالیست های

کارگری افغانستان در حمایت از حرکت
های اعتراضی مردم آزادی خواه ایران

صفحه ۱۰

بیانیه ندای زنان ایران

زندگی حق ماست!

صفحه ۱۰

سخنرانی آقای هانس پالم کویست، دبیر
اتحادیه سراسری کارگران صنایع فلزی
سوئد

در تظاهرات سرگلس توری استکهلم،

ششم ژانویه ۲۰۱۸

صفحه ۱۴

دادستان آلمان شکایات را بررسی خواهد کرد، ما
خواهان محاکمه غیابی و اعلام دستور بازداشت
شاهرودی هستیم!

صفحه ۲

مینا احدی

مبارزه طبقاتی و رابطه کمونیسم کارگری
با جنبش ها

صفحه ۳

منصور حکمت

به جرمی کورین، رهبر حزب لیبر انگلیس

حمید تقوایی

صفحه ۴

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

کاظم نیکخواه

صفحه ۴

پیرامون نمایش مضحکه انتخاب خامنه ای در
مجلس خبرگان

بهرز مهرآبادی

صفحه ۵

قیام برای سرنگونی قدرتمندتر باز خواهد گشت!

محسن ابراهیمی

صفحه ۵

اعتراضات سراسری و نقش رهبران و تشکلهای
مستقل کارگری

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه پخش مستقیم تلویزیون کانال جدید

صفحه ۶

قیام علیه حکومت اسلامی سرمایه داران! (۵)

پس مانده های "اصلاح طلب" خیلی زود شمشیرها را از رو بستند!

محسن ابراهیمی

صفحه ۸



حکومت فاشیست اسلامی، نام مبارزه برای دادن چهره به قربانیان و نام مبارزه برای دادخواهی مردم ایران، با کسانی عجیب شده است که سالهای سال است می جنگند و پیش میروند و خاکریزها را کنار میزنند. در ایران مردم گفتند و نوشتند بی آبرو کردن و فراری دادن شاهرودی چهره کریه قوه قضاییه، کار ایرانیان معترض و کار برلینی ها بود.

اجازه دهید از سوی همه شما کسانی که در این حرکت بزرگ فعالانه و با تمام قوا سهم و شریک شدید، شما که میتینگ سازمان دادید شما که نوشتید و مصاحبه کردید همه شما فعالین این کمپین و از سوی برلینی ها و همه کسانی که این جنبش بی آبرو کردن شاهرودی و اعلام جرم علیه او را پیش بودند، خسته نباشید بگویم و از طرف همه شما به جوانان، زنان، کارگران و معلمان، دانشجویان و همه مردم آزاده ایران درود بفرستم و بگویم ما همه باهم پیش میرویم و این حکومت را سرنگون میکنیم.

زنده باد جنبش انقلابی مردم ایران

زنده باد جنبش دادخواهی مردم ایران
مینا احدی
۱۲ ژانویه ۲۰۱۸

دادستان آلمان شکایات را بررسی خواهد کرد، ما خواهان محاکمه غیابی و اعلام دستور بازداشت شاهرودی هستیم!

مینا احدی

در کنفرانس مطبوعاتی ما در روز چهارشنبه در برلین مادر ریحانه جباری اعلام جرم کرد و همه مدارک و نامه ها و اسناد را طبعاً به دادستان کل ارائه خواهیم کرد، برادر احسان فتحاحیان و برادر دو جوان اعدام شده در سال شصت و همچنین جوانی که در تظاهراتهای سال ۱۳۸۸ دستگیر و شکنجه شده و مورد تجاوز جنسی قرار گرفته، اعلام جرم کرد. اکنون با اعلام علنی شماره پرونده همه میتوانستیم شکایات کنند.

مهر آیت الله قاتل، آیت الله قاتل کودکان و کسی که دستهایش خونین است در رسانه های آلمانی به پیشانی شاهرودی زده شد و اکنون در آلمان اگر از هر فرد عادی بپرسید در کنار اسامی سکینه محمدی آشتیانی و ریحانه جباری، که مردم با عشق و علاقه اسامی آنها را میدانند و زندگی اینها را می شناسند، اسم شاهرودی را هم بعنوان چهره کریه حکومت اسلامی و جلاد خونریز می شناسند. این دستاورد مبارزه همه ما است.

جنبش عدالت خواهانه مردم ایران با قدرت و صلابت به پیش میروند و ما برای سرنگونی این حکومت و سازمان دادن یک زندگی عاری از خشونت و استثمار و نابرابری و یک زندگی بهتر آماده هستیم.

نام مبارزه با حکومت اسلامی ایران، مبارزه با تشبثات اصلاح طلبان و مبارزه با توهم اصلاح

زندانیهای این حکومت سبعمانه و وحشیانه به قتل رسیدند، خانواده هایی که حتی اجازه نیافتند با صدای بلند گریه کنند، والدینی که حتی نمیدانند پیکر دلبندهشان کجا است و همسران و خواهران و برادرانی که اعدام عزیز خود را در خیابانها شاهد بودند، فرزندان که در خردسالی پدر و مادرشان اعدام شدند، همه و همه خواهان عدالت هستند. جنبش دادخواهی در ایران سابقه و دستاوردهایی داشته است و این دستاورد یعنی مجبور کردن یکی از مقامات حکومت اسلامی به فرار مفتضحانه را به این دستاوردها اضافه کنید.

ما از طرف شهلا جاهدها، فاطمه حقیقت پژوه ها، دلارا دارابی ها، فرزند کمانگرا و شیرین علم هولی ها، احسان فتحاحیان ها و همه اعدام شدگان دهه شصت و سال ۶۷ و در همه سالهای حکومت ننگین اسلامی، ما از طرف مریم ایوبی ها و همه سنگسار شدگان این حکومت، اعلام جرم میکنیم در محضر مردم دنیا، در محضر جامعه بین المللی و خواهان محکومیت و مجازات مقامات حکومت اسلامی هستیم. ما از طرف میلیونها نفر کارگر و معلم و دانشجو و میلیونها زن آزاده در ایران اعلام جرم میکنیم علیه یک حکومت ضد انسان و ضد زن.

بین المللی او صادر خواهد شد. ما این کمپین را ادامه خواهیم داد برای اعلام محکومیت شاهرودی و همچنین افشا کردن جنایات و فجایعی که حکومت اسلامی در طول ۳۹ سال دیکتاتوری اسلامی و همچنین در دوره ریاست شاهرودی در قوه قضاییه این حکومت مرتکب شده است.

کمپین پیگرد و محاکمه شاهرودی در ایران به یک جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه وصل شد که توجه دنیا را بخود جلب کرده است. صدها نامه و پیام همبستگی از ایران ما دریافت کرده ایم و در مدیای اجتماعی در ایران و در تلگرام، دست انداختن شاهرودی و سمیعی و همچنین ابراز حمایت از کمپین، بسیار گسترده است. مردم ایران در قامت این کمپین اجرای عملی یکی از خواستهای خود را دیدند، یوزه حکومتیها به خاک مالیده میشود و در دنیا هم جایی برای فرار و قائم شدن این جانیان نیست. مردم با هلهله و هورا نوشتند و گفتند که صحنه فرار زیوانانه شاهرودی دل همه ما را شاد کرد.

جنبش عظیم و بنیانکن مردم ایران برای پایان دادن به عمر ننگین حکومت اسلامی یک جنبه بسیار قوی دادخواهانه دارد. مادران و پدرانی که که فرزندان عزیزشان در

مردم آزاده ایران!
دادستان آلمان شکایات را بررسی خواهد کرد، ما خواهان محاکمه غیابی و اعلام دستور بازداشت شاهرودی هستیم!

زنده باد مبارزات متحانه مردم در ایران و در خارج از کشور!
روز گذشته پنجشنبه ۱۱ ماه ژانویه، شاهرودی را در معیت و با همکاری دولت آلمان به ایران فراری دادند. کمپین دستگیری و محاکمه شاهرودی، که از ابتدا با شکایات فولکر بک و سپس فراخوان ما به ایرانیان برای اعلام شکایات با قدرت پیش رفت، به یک واقعه سیاسی مهم در ایران و در آلمان و در دنیا تبدیل شد.

ما خوشحالیم که بعد از گسترش این کمپین تعداد زیادی به این کمپین پیوستند، مخالفین جمهوری اسلامی و بویژه قربانیان این حکومت جنایتکار که علیه شاهرودی اعلام جرم کردند. از طریق ما شکایات تعداد زیادی از خانواده ها برای دادستان کل ارسال میشود و امیدواریم این موج شکایات ادامه پیدا کند.

با فرار شاهرودی اما این کمپین پایان نمی یابد. دادستان کل اعلام کرده که پروسه رسیدگی به شکایات طبعاً ادامه خواهد یافت. و در صورت محکوم شدن شاهرودی در دادگاهی در آلمان، حکم بازداشت



Down with the Islamic regime of Iran!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran



یادداشت کوتاه زیر رابطه جنبش های اجتماعی با اعتراضات توده ای و مکانیسم انتخاب رهبری سیاسی توسط مردم را بدست می دهد. این نوشته توضیح دهنده متدولوژی و سیاست حزب کمونیست کارگری در برخورد به اعتراضات جاری است.

مبارزه طبقاتی و رابطه کمونیسم کارگری

با جنبش ها

منصور حکمت

پشت این را ببینیم و بگوییم پشت همه اینهایی که میبینید امیال طبقات اصلی اجتماعی را می شود دید و اگر شما این صلاحیت را پیدا کنید بعنوان يك جنبش سیاسی که بروید جلوی صحنه، او دیگر نمی رود پشت ناسیونالیسم کرد. میاید پشت جنبش کمونیستی. که همینطور هم شد. اگر شما پرچم کمونیسم را یکجایی بلند کنید یک مقدار زیادی از آدمهایی که قبلا فکر میکردند آها! باید از طریق رادیکالیزه کردن ناسیونالیسم به امرشان برسند میآیند و راحت در جنبش کمونیستی عضو میشوند.

منصور حکمت، مبنای کمونیسم کارگری - ژانویه ۲۰۰۱

پارلمنتاریسم و ناسیونالیسم را بعنوان يك روش اعتراض به آمریکا، مثلا فرض کنید به امپریالیسم انتخاب کرد، کمونیسم کارگری را هم میشود بعنوان يك روش برای اعتراض به وضع ناهنجار زندگی در يك کشور تحت سلطه امپریالیسم انتخاب کرد.

شما نمیتوانید جهان را بخاطر عدم حضور خودتان ملامت کنید. اگر شما بعنوان يك جنبش سیاسی حضور ندارید که در نتیجه آن مردم به جنبش کمونیستی شما بپیوندند، نمیتوانید به آنها خرده بگیرید که چرا به جنبش کمونیستی پیوسته اند. یا چرا به جنبش ناسیونالیستی پیوسته برای اینکه دردش را بگوید. اینها جنبشهای سیاسی ای هستند که زودتر از من و شما جنیبیده اند و رفته اند جلوی صحنه و انتخاب داده اند و نیازهای مردم را کانالیزه میکنند. ما این قدرت را داریم که

جامعه برای اینکه بتوانند از طریق اینها مردم حرفشان را بزنند. اگر این جنبشها را بگیرد جامعه هیچ چیزی نمیتواند بگوید. ولی از طریق مذهب، از طریق ناسیونالیسم، از طریق اصلاح طلبی، از طریق لیبرالیسم سعی میکنند دردش را بگوید.

و دقیقا این نگرش است که ما را موظف میکند، بعدا در بحث حزب و جامعه میگویم، که برویم خودمان را بعنوان يك انتخاب واقعی بگذاریم پهلوی بقیه جنبشها در جامعه. تا همانقدر که میشود لیبرالیسم را یا رفرمیسم و

ناسیونالیسم و مذهب آشکال انحرافی اعتراض پرولتاریا" است! من برایش نوشته ام اینطور نیست. اینها آشکال بورژوازی است برای قالب زدن به جنبشهای اعتراض کارگری. خود کارگر از خودش مذهب بیرون نمیدهد. خود کارگر از خودش ناسیونالیسم بیرون نمیدهد. خود کارگر از خودش نخواستن آن وضعش را بیرون میدهد، بطور خودبخودی. ناسیونالیسم، مذهب، رفرمیسم دیدگاهها و جنبشهای سیاسی هستند مثل من و شما که خودشان را برده اند و گذاشته اند جلوی

کمونیسم کارگری چون نگاه میکنند و انسانیت را میبیند که دارد با همه ابزارهایی که دسترس او هست و شعوری که در دسترس هست مبارزه میکنند، میتواند بفهمد که پشت این شعارها و فرمولها پرچمهای متنوعی که بشریت بلند کرده واقعا چه امیالی هست. و چرا واقعا حتی بخشی از آن جنبش مال شما هست و او آن پشت آن پرچم است. در نتیجه رابطه ما را با احزاب، جنبشها، بخشهای مختلف و پرچمهای مختلف دگرگون میکند. یکی گفته بود "فاشیسم و

محمود هاشمی شاهرودی، باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شود!

زندانیان سیاسی و قربانیان چهار دهه جنایت توسط جمهوری اسلامی به این فراخوان پیوسته اند. مردم معترض و مخالف جمهوری اسلامی هر کجا که هستید با عکس زندانیان سیاسی و هزاران جانباخته راه آزادی به این تجمعهای اعتراضی بپیوندید و یا خود برای برگزاری این تظاهراتها پیش قدم شوید و خواهان ممنوع الخروج شدن شاهرودی از آلمان، دستگیری و محاکمه او به جرم جنایت علیه بشریت شوید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۸ ژانویه ۲۰۱۸

مینا احدی، شیوا محبوی مسئول و سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و فولکر بک از نمایندگان سابق پارلمان کشور آلمان، روز چهارشنبه ۱۰ ژانویه در برلین، در محل سایت اومانیه های آلمان کنفرانس مطبوعاتی برگزار می کنند. در این جلسه کیفرخواست تعداد قابل ملاحظه ای از شاکیان نیز مطرح خواهد شد.

روز شنبه ۱۳ ژانویه نیز در بسیاری از شهرهای اروپایی و آمریکای شمالی با خواست دستگیری و محاکمه محمود هاشمی برگزار خواهد شد و تا این لحظه بسیاری از بازماندگان هولاکاست اسلامی، خانواده

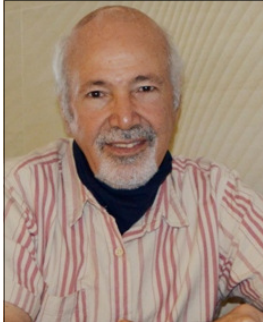
شاهرودی یکی از مهره های کلیدی و یکی از مسئولین مستقیم زندانی کردن و شکنجه زندانیان سیاسی، مسئول مستقیم اعدام کودکان را مخفیانه به آلمان آوردند تا تحت معالجه قرار گیرد. اعتراض به حضور این جنایتکار جمهوری اسلامی در سطح وسیعی در افکار عمومی جهانیان و رسانه ها منعکس شده است. روزنامه های آلمانی تیتیر زدن: "دستان این سلاخ آغشته به خون مردم ایران است. او باید به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه و محکوم شود". تظاهرات بزرگی در مقابل محل درمان این جنایتکار در شهر هانوفر آلمان برگزار گردیده است.

برابری حقوقی و ۱۵/۵/ مدنی همه شهروندان در ایران مستقل از مذهب، زبان و یا قومیت و ملیت فوراً باید عملی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
fb.com/wp/iran/

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

کاظم نیکخواه



آزادی و رفاه می‌خواهند. می‌خواهند با استانداردهای قرن بیست و یکم زندگی کنند. زن و مرد و پیر و جوان خود را در این جنبش سهمیم و دخیل میدانند.

جمهوری اسلامی یک ذره حقانیت و مشروعیت انسانی برای حکومت کردن بر جامعه ندارد. هیچ دلیل و منطقی ندارد که یک باند کثیف، ضد ارزش، ضد انسانی مرتجع و نالایق از هر نظر در راس جامعه باشند. جامعه باید در دست مردم باشد. باید به شیوه‌های انسانی و مدرن اداره شود. باید بر اساس آخرین دستاوردهای اجتماعی و سیاسی بشری اداره شود. آزادی باید بدون قید و شرط و اما و اگر قانون جامعه باشد، آزادی بدون قید و شرط بیان، آزادی تشکیک آزادی عقیده و آزادی تفکر. اختیار جامعه باید فقط و فقط در دست خود مردم باشد. هیچ اقلیت خود گمارده ای حق تصمیم گیری در زندگی مردم را ندارد. جامعه یعنی مردم. دوره برده داری و خلیفه و "ولی فقیه" و ملوک قرنهایست سپری شده است.

جامعه ایران با آگاهی بلند شده. حقوق خودش را عمیقاً می‌شناسد و این حقوق را با قدرت انقلاب خویش تحمیل خواهد کرد. مردمی که آگاه باشند مستوجب رهایی هستند و قطعاً رها و آزاد خواهند شد. عقب ماندگان و فسلیل‌های تاریخ که می‌خواهند بر دگی را به قرن بیست و یکم بازگردانند محکوم به شکستند. زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

جنبش و خیزشی عظیم در ایران به جریان افتاده و سرتاسر جامعه ایران را دارد شخم می‌زند و به پیش می‌رود. جامعه دارد با چنگ و دندان برای دست یابی به زندگی ای انسانی و آزاد مبارزه می‌کند. این جنبش مردمی است که از سیطره یک باند تبهکار و مرتجع و چپاولگر بر جامعه خسته شده اند و مصممند که خود را آزاد کنند. مردم می‌خواهند مثل انسان زندگی کنند و حق دارند. می‌خواهند آزاد باشند، اختیار داشته باشند، فقیه و امام و شاه و خلیفه و اقا بالا سر نداشته باشند، فقیر و محروم نباشند، در ناامنی و ترس و زندگی نکنند. اینها ابتدایی ترین پیش شرط‌های زندگی انسانی در این قرن است و میتوان آنرا عملی کرد.

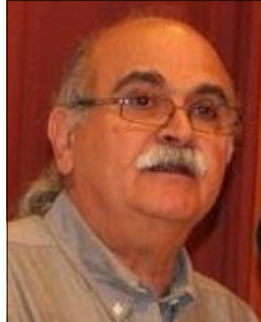
جمهوری اسلامی یک حکومت کاملاً تحمیلی به مردم ایران است. یک حکومت اشغالگر که روی منابع و ثروتهای جامعه با زور اسلحه چنگ انداخته ویا نهایت حرص و ولع در حال چپاول و دزدی و بالا کشیدن همه چیز است. اینها جز دزدی از ثروتهای اجتماعی امری ندارند. اسلام و ارتجاع و عقب ماندگی نیز ابزاری برای این دزدیهاست.

مردم ایران وسیعاً پیا خاسته اند. طی همین یک سال گذشته شاهد اعتراضات هر روز کارگرانی بوده ایم که دستمزد توافق شده زیر خط فقرشان بالا کشیده شده است. بازنشستگی که حقوق بازنشستگی شان را بالا کشیده اند. مالباختگانی که آقا زاده های مفتخور حکومتی یک ذره پس انداز چندرغاز آنها را با تقلب و دروغ به جیب زده اند و الان کسی جوابگو نیست.

در این جامعه فقر دارد کشتار میکند. گرسنگی و بیکاری و گرانی بیداد میکنند. کار کودکان، تن فروشی، گرسنگی و محرومیت از همه چیز. اما خواست امروز مردم پیاخاسته ایران دیگر فقط خلاص شدن از فقر نیست. مردم منزلت و

به جرمی کورین، رهبر حزب لیبر انگلیس

حمید تقوایی



که در این مبارزه سرکوب شدگان با سرکوبگران شان معلوم نیست چه کسی محق است و چه کسی نیست، تا ابد در حافظه مردم ایران ثبت خواهد شد. این شدیداً به اعتبار حزب پیشرو و برابری طلبی که شما تلاش می کنید بسازید صدمه خواهد زد. میلیون ها نفر از طرفداران شما را، که دقیقاً چون خواهان برابری و عدالت اجتماعی بودند به حمایت از شما برخاستند، ناامید خواهد کرد. اعضا و هواداران عادی را از رهبری جدا خواهد کرد، و نکته شرم آوری در حیات حزب جدیدتان خواهد بود. یک خطای سیاسی جبران ناپذیر و یک افتضاح اخلاقی تاریخی.

امیدوارم اظهارات امیلی ثورنبری موردی استثنائی بوده باشد که ایشان از آن پشیمان شده و علناً از آن عذرخواهی کند. بهرحال، از شما، بعنوان رهبر حزب لیبر، می خواهم که به روشن ترین شکل از آن اظهارات فاصله گرفته و در این روزهای خطیر بی قید و شرط و صراحتاً در کنار مردم ایران قرار بگیرید.

حمید تقوایی
لیدر حزب کمونیست کارگری ایران
۷ ژانویه ۲۰۱۸

انتخابات رهبری حزب لیبر و در انتخابات سراسری سال ۲۰۱۷، که بر اساس یک پلانتفرم پیشرو برای کاهش نابرابری و بی عدالتی فزاینده اجتماعی صورت گرفت، شما را مورد حمایت خویش قرار دادند.

اما اینها، در سطوحی بمراتب شدیدتر و خشن تر، دقیقاً همان مسائلی هستند که میلیون ها نفر امروز به خیابان های ایران کشانده اند. کارگران، زنان و جوانان در ایران در حال مبارزه علیه ابعاد فجیع نابرابری، فقدان آزادیهای ابتدایی سیاسی و اجتماعی و یک دیکتاتوری مذهبی قرون وسطائی، که وجود آن اهانت به وجدان جمعی بشر در قرن بیست و یک است، هستند. مردم در ایران تمرکز ثروت در دست یک درصدی های جامعه و آیت الله های میلیاردر را، در حالیکه خود در تلاش برای بقا با حداقل دستمزد یک چهارم زیر خط فقر رسمی هستند، نمی خواهند. مردم تبعیض دولتی تنفرانگیز علیه زنان که آنان را رسماً صغیر و مایملک قیم مذکر شان تعریف می کند، نمی خواهند. حجاب اجباری و آپارتاید جنسیتی نمی خواهند. تحمیل حکومت مذهبی و تفکر مذهبی نمی خواهند. در یک کلام، مردم ایران جمهوری اسلامی را نمی خواهند. آنها علیه جمهوری اسلامی پیا خاسته اند چون خواهان برابری اقتصادی و آزادیهای سیاسی و اجتماعی هستند. خواهان جهانی بهتر و یک زندگی در شان انسان هستند. آنها حق دارند اینها را مطالبه کنند، و باید از حمایت بی قید و شرط مردم جهان برخوردار شوند.

همراهی با چنین حکومت منفوری، و بیشرمانه اعلام کردن - چنانچه امیلی ثورنبری کرده است -

قای کورین عزیز این نامه را در همبستگی با مبارزات قهرمانانه مردم ایران علیه یکی از مستبدترین، وحشی ترین، ضدکارگری ترین و ضد زن ترین حکومت های جهان، و از جانب بزرگترین حزب کارگری در اپوزیسیون چپ ایران، می نویسم تا از شما بخواهم بلافاصله از اظهارات شرم آور امیلی ثورنبری، وزیر امور خارجه سایه، که دیروز بیان کرد فاصله بگیرید. از شما می خواهم سکوت خود را شکسته و بی هیچ قید و شرطی به حمایت از مردم ایران در مبارزه قهرمانانه شان علیه سرکوبگران خود برخیزید.

همراهی با سرکوبگران مردم و حتی سکوت و خودداری از موضع گیری صریح در برابر اعتراضات برحق کارگران، زنان و جوانان در ایران علیه حکومت فاسد و ارتجاعی جمهوری اسلامی که سران آن میلیاردها به جیب زده اند، در حالیکه فقر مطلق را به کارگران تحمیل کرده اند، سازمان های کارگری را در هم شکسته و فعالین کارگری را به زندان افکنده اند، تبعیض و خشونت دولتی بر زنان و افراد ال جی بی تی اعمال کرده اند، و ده ها هزار نفر از مخالفین خود را اعدام کرده اند، یک خطای سیاسی جدی برای حزب لیبر خواهد بود. زمانی که این حکومت بدست خیزش قهرمانانه جاری مردم سقوط کند، مردم ایران فراموش نخواهند کرد چه کسی کنار آنها بود و چه کسی در کنار سرکوبگران آنها.

اهداف اعلام شده شما مبنی بر مبارزه برای یک دنیای بهتر، برابری اقتصادی و عدالت اجتماعی، حمایت میلیون ها نفر در بریتانیا و در سطح بین المللی از شما را بر انگیخت؛ مردمی که پر شور در

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

پیرامون نمایش مضحکه انتخاب خامنه ای در مجلس خبرگان

بهرز مهرآبادی

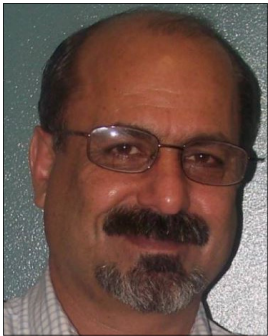


در گرماگرم طغیان و به خیابان آمدن مردم در سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی فیلمی از در سال ۶۸ مجلس خبرگان منتشر شد که در آن خامنه ای بعنوان رهبر جمهوری اسلامی انتخاب میشود. انتشار این فیلم مانده آسمانی و یک موضوع اصلی بحث برای اصلاح طلبان داخل رژیم از محسن کدیور گرفته تا بی بی سی و رادیو فردا بود تا بر روی مبارزات مردم با سرکوبگران اسلامی سایه بیندازند. مفسران ریز و درشت ساعتها بحث کردند و یا مقاله های مفصل نوشتند درباره اینکه رای گیری مخفی بوده و یا با قیام و قعود انجام شده، اینکه برخلاف قانون اساسی رفتار شده، اینکه خامنه ای بعنوان رهبر موقت انتخاب شده، اینکه قرار بوده رهبری بصورت شورایی باشد، اینکه خامنه ای مجتهد جامع الشرایط نیست، اینکه رفسنجانی بعنوان کارگردان اصلی نمایش حقه بازی کرده و ...

این بحث ها بیش از هر چیز مشغله های ذهنی و اهداف سیاسی این حضرات را نشان میدهد. با این بحث ها خودشان را مضحکه کرده اند. هیچ آدم عاقلی شك ندارد که جمهوری اسلامی حکومت شیادان و فریبکاران است و گردانندگان این حکومت هیچ پرنسیپی بجز غارت و کشتار و تقلب و شارلاتانیسم ندارند. هدف از این بحث حقه کردن قانون اساسی رژیم به مردم است، به رسمیت شناختن القاب و عناوینی نظیر ولی فقیه، مجتهد، ولایت مومنین و مقلد و اراجیفی نظیر اینها است. در مملکتی که کودکان دبستانی دسته جمعی در خیابان ها فریاد "مرگ بر خامنه ای" سر می دهند (آنهم وقتی که بزور برای تظاهرات به نفع حکومت به خیابان برده شده اند)، از حکومت آن فقط لاشه ای باقی مانده. لاشه متعفنیه که به زور و گلوله و شکنجه و اعدام و اسید پاشی سر پا نگهداشته شده. هستیید.

قیام برای سرنگونی قدرتمندتر باز خواهد گشت!

محسن ابراهیمی



جنگ و گریز دائمی با مزدوران و نیروهای نهی از منکر و امر به معروف نیست!

قیام زنانی است که نه تنها حاضر نیستند نیمه انسان محسوب شوند؛ نه تنها حاضر نیستند بی حرمتی قوانین اسلامی علیه حرمت و انسانیتشان را تحمل کنند؛ بلکه عزم جزم کرده اند به این حقارت و اسارت اسلامی پایان دهند!

قیامی مردمی است که میخواهند دستان خونین و چرکین اسلام از اتاق خوابشان، از مدرسه و دانشگاه و محیط تحصیلشان، از نحوه لباس پوشیدنشان، از کوچه و خیابان و مغازه و استادیوم و بیمارستان و اداره و هر گوشه ای از زندگی اجتماعیشان قطع شود!

این قیامی علیه نابرابری، فقر، بی عدالتی، تبعیض، دخالت مذهب است. این قیامی برای آزادی است. برای برابری است. برای رفاه است. برای حرمت انسانی است.

قیامی با این اهداف میتواند فروکش کند اما نمیتواند پایان یابد. باز میگردد و هر بار با قدرت بمراتب بیشتر.

۱۹ دی ۱۳۹۶ - ۹ ژانویه

۲۰۱۸

چرا نزدیک ۱۰۰ شهر در فاصله بسیار کوتاهی به صحنه رویارویی با نیروهای سرکوب حکومت تبدیل شد؟ چه کسانی و چرا خیابانهای سراسر ایران را به صحنه رویارویی با نیروهای سرکوب حکومت اسلامی تبدیل کردند؟ صحبت از قیام چه کسانی است؟

قیام ۷ دی، قیام کارگرانی است که حتی دستمزد زیر خط فقرشان را هم میدزدند و اعتراض را با شلاق اسلامی سرمایه پاسخ میدهند!

قیام کولبران پیرو جوانی است که با قامت خمیده زیر بار سنگین کیلومترها در برف و بوران کوههای کردستان بار میکشند تا لقمه نانی به سفره کودکانشان بیاورند و با گلوله پاسداران سرمایه و اسلام به خاک میافتند!

قیام بیکارانی است که سرمایه داران مورد حمایت دولتهای اصلاح طلب و اصولگرا به خیابانها پرتاب کرده اند!

قیام جوانانی است که زیر سلطه حکومت اسلامی کوچکترین امیدی برای يك آینده انسانی ندارند جز رانده شدن به مغاک یاس و اعتیاد و تن فروشی!

قیام دختران و پسران جوانی است که کودکی و نوجوانیشان زیر تعرض قوانین ارتجاعی اسلامی تباه شده است و معنای جوانیشان چیزی جز

قیامی که ۷ دی شروع شد و به سرعت سراسر ایران را فرا گرفت، به حق در میان مردمی که برای پایان یافتن به سلطه حکومت اسلامی ثانیه شماری میکنند شور و شوق فراوانی برانگیخت.

جلوه اصلی این قیام یعنی تظاهرات خیابانی، به نظر موقتا - فروکش کرده است و خامنه ای و روحانی که در روزهای اول این عصیان سراسری سرکبجه گرفته بودند، دارند از سوراخهایشان بیرون می آیند و ضمن مظلوم نمایی شاخ و شانه میکشند.

سران حکومت خودفریبانه تصور میکنند با فروکش کردن شورش در خیابان، عزم مردم برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی هم فروکش کرده است. این البته حالت روانی مشترک و مشابه همه دیکتاتورهاست. همه دیکتاتورها در اوج توهم به ثباتشان ساقط شده اند.

موضوع بسیار ساده است. قیام ۹۶ رعدی در آسمان بی ابر نبود. و تا آسمان ابری است رعدهای غرنده تری در راه هستند.

تظاهرات و جنگ و گریز در خیابان ممکن است فروکش کند اما تا زمانیکه بنیادها و زمینه های خشم و نفرت و عصیان سرچایش باشند، آرامش در خیابان ادامه دار نمیتواند باشد.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

اعتراضات سراسری و نقش رهبران و تشکلهای مستقل کارگری

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه پخش مستقیم تلویزیون کانال جدید



زحمتکشان و رهبران کارگری بعنوان صاحبان اصلی جامعه در این اعتراضات حضور یابند و در پیشبرد اعتراضات نقش تعیین کننده و رهبری داشته باشند؟ به چه شکلی این امکانپذیر است؟

شهلا دانشفر: هم امکان دارد و هم جامعه و انقلابی که دارد شکل میگیرد این را می طلبد. این جنبشی که چنین طوفند به جلو میرود، به شدت طبقاتی، رادیکال و انسانی است. شدت ضد سرمایه داری و علیه فقر و نابرابری است. همانطور که اشاره شد مرکز ثقل اصلی آن ما کارگران و ما ۹۹ درصدی های جامعه هستیم. این جنبش را خودمان ساختیم تا به اینجا و به این روزهای نوید بخش رسیده ایم. معلوم است که این شرایط ما را می طلبد. این شرایط آنترانیتیو کارگری و چپ را می طلبد. در چنین شرایطی کارگران، رهبران کارگری باید به عنوان صاحبان جامعه بیایند جلو و نقش ایفاء کنند. و خوشبختانه ما امروز شاهد چنین پدیده ای هستیم. ما شاهد این هستیم که امروز رهبران کارگری جلوی صف اعتراض جامعه قرار گرفته اند. امروز جعفر عظیم زاده ها، جوانمیر مرادی ها، پروین محمدی ها، رضا شهابی ها، محمود صالحی ها، بهنام ابراهیم زاده ها، داود رضوی و ابراهیم مددی ها، و اسماعیل عبیدی ها و صف طولی از رهبران کارگری، رهبران شناخته خوشنام و محبوب کارگری و اجتماعی جامعه هستند که طی سالها اعتراض و مبارزه جلو آمده اند و صدای اعتراض کارگران و کل جامعه را نمایندگی کرده اند. در این مقطع سیاسی معین جای همه اینها بسیار برجسته و مهم است. توازن قوا این را ایجاب میکند و ضرورت سیاسی امروز هم این را بیش از پیش

فراخوان بدهند. اگر ما توانستیم یک ماه قبل تجمع پانزده هزار بازنشسته در مقابل مجلس را داشته باشیم، امروز کارگران، معلمان، بازنشستگان همه و همه با هم میتوانیم تجمع اعتراضی بزرگ خود را بر اساس خواستهای همین بیانیه ۵ تشکل کارگری، در مقابل مجلس و در تمام شهرها در میادین اصلی برپا کنیم. و به اعتقاد من تشکلهای کارگری میتوانند به چنین اعتراضاتی در چنین ابعادی شکل دهند. و بالاخره تاکید من بر جایگاه مهم اعتصابات کارگری است. اعتصابات کارگری میتوانند به اعتراضات مردم قوام دهد. اعتراضات سراسری اعتراضات گسترده مردم تقویت کرده و دامنه اش را گسترش میدهد. بنابراین تلاش برای شکل دادن به اعتصابات سراسری کارگری وجه مهم دیگر کار تشکلهای رهبران و فعالین کارگری است. خصوصاً امروز که جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی از طریق مدیای اجتماعی سازمانیافته اند، و امروز که با یک جنبش قدرتمند اعتراضی در سطح جامعه روبرویم شرایط بسیار فراهم تر است. ما تجربه سازماندهی تجمعات بزرگ اعتراضی از طریق گروههای مبارزاتی مان در مدیای اجتماعی را داریم. از جمله پانزده هزار بازنشسته از همین طریق اعتراض خود را سازمان دادند. یا کارگران آتش نشانی، مخابرات، برق، راه آهن، مخابرات، نفت بارها و بارها از همین طریق گرد آمدند. امروز در این اوضاع و احوال بهتر میشود تجمعات اعتراضی سراسری را سازمان داد و به تدارک اعتصابات سراسری کارگری در بخش های مختلف رفت. پلاتنرم این تجمعات نیز میتواند محورهای خواستهای همین ۵ تشکل کارگری باشد. که بارها در تجمعات و اعتراضاتمان شعارهایش را داده ایم.

فراهرز قربانی: بنظر شما این امکان وجود دارد که کارگران،

اشاره کردید اعتراضات گسترده کارگری از جمله اعتراضات کارگران هپکو، آذراب، هفت تپه و تجمعات گسترده بازنشستگان و معلمان تاثیر مهمی در کشیده شدن اوضاع به شرایط کنونی را داشته است، از نظر شما به چه صورت، فعالین، رهبران جنبش کاری و تشکلهای مستقل کارگری میتوانند دخالتگری و تاثیرگذاری بیشتری در این اوضاع را شرایط داشته باشند؟

شهلا دانشفر: اولین قدم اعلام همین بیانیه ۵ تشکل کارگری است که به خواستهای جنبش کارگری و کل جامعه تعیین بیشتری داد. این بیانیه ای است که اعلام میکند ما کارگران، ما معلمان، ما بازنشستگان و ما مردم جان به لب رسیده چرا امروز در خیابانیم و خواستهای فوری مان چیست. جنبش کارگری با بیانیه هایش دارد نقش مهمی بازی میکند. باید وسیعاً به بیانیه ۵ تشکل کارگری پیوست. بعلاوه طبقه کارگر امروز با نهادها و تشکلهایش، با کارزارهای مبارزاتی اش، با شخصیت ها و چهره هایش میتواند بیاید جلو و جنبش انقلابی مردم را با قدرت بیشتری به جلو برد. اعتراض فقط در خیابان نیست. اگر این جنبش ما ۹۹ درصدی های جامعه است، باید با تجمعاتمان، با تحصنهای اعتراضی مان، با کارزارهایمان از جمله کارزار سراسری برای آزادی دستگیر شدگان اخیر و تمامی زندانیان سیاسی جلو بیاییم و به جنبش انقلابی خود یک قدرت همه جانبه اجتماعی بدهیم. در این رابطه تشکلهای رهبران کارگری و فعالین چپ و رادیکال نقش بسیار مهمی دارند و تا همین جا نیز نقش بسیار ارزنده ای بازی کرده اند. رهبران و چهره های کارگری باید به اسم خود جلو بیایند و خطاب به جامعه صحبت کنند و فراخوان دهند. پیام دهند و حمایت خود را از اعتراضات مردم اعلام کنند. بیایند در دفاع از دستگیر شدگان و برای آزادی آنها

محاکمه قرار گیرند. پولهای میلیاردری دزدی شده به جامعه بازگردد. به حقوقهای نجومی پایان داده شود. دستمزدها به عنوان اولین قدم ۵ برابر افزایش یابد و در آن بر آزادی تشکل، تحزب، و آزادی بیان تاکید شده است. و این چنین است که این بیانیه به خواستهای اعتراضی کل جامعه دارد تعیین میدهد. به نظر من این بیانیه، بیانیه اعتراضاتی است که امروز در خیابانها در جریان است. به این اعتبار این بیانیه، بیانیه همه کارگران، معلمان، بازنشستگان، و همه بخش های جامعه است و تا همین جا مهر خودش را کوبیده و به عنوان یک اقدام مهم سیاسی تاریخی ثبت شده است. زنده با به این کارگران.

در عین حال بیانیه های دیگری که از سوی کارگران داده شده است. مثل بیانیه مشترک سندیکای واحد و نیشکر هفت تپه در اعتراض به سرکوب ها و حمایت از مبارزات مردم، مثل بیانیه مشترک کارگران پروژه های پارس جنوبی، جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام، فعالان کارگری جنوب، فعالان کارگری شوش و اندیمشک، جمعی از کارگران محور تهران - کرج، بیانیه کارگران هفت تپه و بیانیه هایی دیگر از این دست، در واقع ابراز وجود کارگران در این مقطع حساس از مبارزات انقلابی مردم است. همه اینها بیش از پیش بر این واقعیت تاکید دارد که جنبش انقلابی ای که براه افتاده، جنبش ما کارگران است، جنبش ما ۹۹ درصدی های جامعه است. جنبش ما کسانی است که فقر نمیخواهیم. تبعیض نمیخواهیم. این بساط توحش سرمایه داری حاکم را نمیخواهیم. به عبارت روشنتر امروز جنبش کارگری دارد با بیانیه هایش این را بیان میکند. و این جنبشی است که خود نقش اساسی ای برای کشیده شدن اوضاع سیاسی جامعه به شرایط کنونی را داشته است.

فراهرز قربانی: همانطور که

فراهرز قربانی: بعنوان سؤال اول در رابطه با اهمیت انتشار بیانیه ۵ تشکل کارگری در رابطه با اعتراضات سراسری مردم صحبت کنید. کلاً این بیانیه و بیانیه های کارگران چه تاثیر معینی در فضای سیاسی اعتراضات مردم دارد؟

شهلا دانشفر: ابتدا بطور ویژه در رابطه با بیانیه ۵ تشکل کارگری صحبت میکنم و بعد اساساً به جایگاه اینگونه بیانیه ها در فضای سیاسی جامعه اشاره خواهم کرد. از نظر من بیانیه ۵ تشکل کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه، سندیکای نقاشان استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگزاران کارگران ایران، و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری در واقع کل جنبش کارگری را نمایندگی میکند. این بیانیه، بیانیه جنبش کارگری در قبال جنبش انقلابی ای است که شکل گرفته و با قدرت به جلو میرود و تا هم اکنون نزدیک به صد شهر را در بر گرفته است. این بیانیه، بیانیه علیه تبعیض طبقاتی است. این بیانیه، بیانیه علیه فقر است. علیه اختلاسهاست. علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی است. علیه کل این وضعیت فلاکتناز است که به کارگران و کل جامعه تحمیل شده است. این بیانیه، بیانیه علیه سرکوب است و به این اعتبار این بیانیه اهمیت و جایگاه سیاسی مهمی دارد.

از جمله یک جنبه حائز اهمیت انتشار چنین بیانیه ای اینست که جنبش کارگری در این مقطع حساس تاریخی در جلوی صف اعتراض جامعه قرار گرفته و دارد خواستهای را بیان میکند. بیانیه میگوید ما میخواهیم به خواستهای ما برای پایان دادن به فقر و سیه روزی جواب داده شود. بساط سرکوب و اختناق و زندان جمع شود. تمامی زندانیان سیاسی آزاد شوند. غارتگران ثروتهای اجتماعی و آمرین و عاملین آن مورد بازخواست و

Yahsat
کانال جدید
KANALJADID

فرکانس ۱۲۵۹۴	پارازیسون عشودی
سیمبل ریت ۲۷۰۰	اف ای سی ۲/۳

برپا کنند. و همه دست در دست هم با پلانفرم واحدی چون آزادی تشکل، تحزب، تجمع، و حق بیان، برابری زن و مرد و ممنوعیت حجاب تحمیلی، لغو تبعیض ها، پایان دادن به حقوقهای نجومی و تامین رفاه کل جامعه، ممنوعیت مجازات اعدام و برابری بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و خواستهای فوری مان برای داشتن یک جامعه مدرن، انسانی و پراز رفاه به میدان آیند. این فراخوان من به همه آنهاست.

نابرابری، اعتراض علیه اختلاسها و حقوقهای نجومی، اعتراض علیه سرکوبها از جمله محورههای مهم شعارها و اعتراضات همه این بخش ها بوده است. مهم است که در این مقطع مهم سیاسی کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و همه این بخش های معترض جامعه با قدرت تر جلو بیایند و خواستهایشان را فریاد بزنند. بیایند جلو و تجمعات فراگیر و وسیع اعتراضی شان را سراسری و گسترده

آزادی دستگیر شدگان اعتراضات اخیر و تمامی زندانیان سیاسی باشد.

فرامرز قربانی: شما به نکاتی اشاره کردید. ولی فکر نمیکنید که بایستی بین کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه یک رهبری واحد شکل بگیرد که به عنوان یک بلوک رهبری اعتراضات و آلتزاتیو بعد از جمهوری اسلامی جلو بیاید؟

شهلا دانشفر: روشن است که طبقه کارگر باید متحد باشد. کارگران، معلمان در این چند سال کنار هم بودند. و امروز کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار، دانشجو را در اعتراضاتشان هر روز بیشتر کنار هم می بینیم. به عبارت روشنتر هر روز بیشتر شاهد شکل گیری یک همبستگی طبقاتی کارگری در میان کارگران و بخش های مختلف مردم بوده ایم. متحد ایستادن این صف خصوصا امروز در مقطع پیشروی جنبش انقلابی ما، یک ضرورت سیاسی مهم است. که به نظر من یک قدم اولیه این اتحاد میتواند حمایت از بیانیه ۵ تشکل کارگری باشد. اعلام شود اینها خواستهای ما نیز هست. و با این کار ما معلمان، ما کارگران، ما بازنشستگان، ما پرستاران و ما همه دانشجویان اعلام کنیم که متحد کنار هم ایستاده ایم. این چنین است که آن قطب وسیع کارگری به عنوان صاحبان اصلی جامعه میتوانند متحدانه ترشکل گیرد. و در واقع این یک پاسخ فراگیر به سوال شما و برای رفع یکی از موانع پیشروی جنبش کارگری است. اما در آخر خوبست این را هم تاکید کنم که حزب نقش رهبری اعتراضات جامعه را بر عهده دارد. و طبقه کارگر با حزبش میتواند انقلاب خود را به پیروزی برساند. یک تاکید دیگر من پیوستن وسیع به حزب و تحزیبایی کارگری است.

فرامرز قربانی: به عنوان آخرین سوال فراخوان شما رو به کارگران، معلمان، پرستاران و همه زحمتکشان در ایران چه هست؟

شهلا دانشفر: هر کدام از این بخش های که اعلام میکنید در طی این سالها مبارزات درخشانی داشته اند. اعتراض علیه فقر و تبعیض و

می طلبید.
فرامرز قربانی: موانعی که بر سر راه رهبران و تشکلهای مستقل کارگری برای رهبری کردن اعتراضات جاری وجود دارد چیست و بنظر شما چطور رهبران جنبش کارگری میتوانند بر آنها فائق شوند؟
شهلا دانشفر: یک تلاش جریانات بورژوازی و نیروهای حافظ نظام همیشه این بوده و هست که مبارزات را با زد و بند از بالا و رهبر تراشی و ندیده گرفتن رهبران کارگری چپ و رادیکال، ترمز باشند. اما فضای اعتراضات آنچنان رادیکال است، که چهره نونینی به جنبش سرنگونی مردم داده است. دیگر بحث بد و بدتر رفته است کنار. مردم کل حکومت را نمیخواهند و در عین حال مردم هر روز بیشتر با خواستهای رادیکال و انسانی خود جلو آمده و کل این بربریت و توحش را به پالش کشیده اند. بنابراین جنبش انقلابی مردم با چنان عمق طبقاتی ای به جلو می آید که راه را بر چنین ساخت و پاخت هایی دشوار تر میکند. به عبارتی به درجه ای که جنبش کارگری در این اوضاع نقش ایفاء کند، با بیانیه هایی از نوع بیانیه همین ۵ تشکل کارگری به جلو بیاید و مهر خود را بر سیر اوضاع بزند، چهره هایی مثل جعفر عظیم زاده ها بیایند و صدای اعتراض جامعه باشند، به همان درجه موانع بر سر ایفاء نقش بر سر رهبران و تشکلهای کارگری کمتر خواهد شد. به همان درجه طبقه کارگر با قدرت بیشتری به جلو خواهد آمد. به همان درجه رسانه های بین المللی بیشتر وادار میشوند که پای سخن رهبران و تشکلهای کارگری بنشینند. در عین حال ما باید روی رسانه های بین المللی فشار بگذاریم که بیایند پای صحبت رهبران کارگری بنشینند و انعکاس دهند صدای اعتراض کارگران و کل جامعه باشند. خود رهبران کارگری نیز باید یک تلاششان این باشد که در این قامت، یعنی در قامت رهبران سیاسی جامعه ظاهر شوند. سعی کنند صدای خود را با پیامهای ویدئویی خود جهانی کنند. و جهانیان را به حمایت از مبارزات خود و کل مردم فرایخوانند. از جمله امروز انتظار اینست که کارگر در راس کارزارهای مبارزاتی مثل

از خیزش و قیام کارگران و زحمتکشان ایران حمایت می کنیم!

پیش به سر مردم ایران آمد و جامعه را برای چهار دهه به اسارت رژیم اسلامی در آورد.

باید همزمان با جارو زدن رژیم اسلامی، توده های سازمان یافته و مسلح در شوراهاشان، حاکمیت مستقیم و از پایین خود را بنیان نهند و به هیچ جریان و جناح بورژوازی اجازه ندهند انقلاب شان را به بیراهه کشانده و صادره کنند.

ما کمونیست ها و توده های کارگر و زحمتکش کردستان که سال ها است علیه حاکمیت بورژوازی خودی و برای آزادی و رفاه و برابری تلاش می کنیم، و از طرف دیگر از جانب حاکمیت قومی و مذهبی و شورینیست عراق که عملا در خدمت منافع و سیاستهای جمهوری اسلامی ایران است، حقوق شهروندی از ما سلب شده است و تلاش می کنیم از شر این حاکمیت رها شویم، چشم امید به قیام و خیزش های توده های انقلابی ایران دوخته ایم. به نقش پیشروانه و رهبری کمونیست ها چشم دوخته ایم. پیروزی شما امید به پیروزی ما را تقویت و قدرتمند می کند. پیروزی شما پیروزی ما و مردم کردستان و عراق را نزدیک تر می کند. با تمام توان از شما حمایت می کنیم.

زنده باد قیام توده ای مردم ایران سرنگون باد رژیم ارتجاعی اسلامی ایران حزب کمونیست کارگری کردستان

۴ ژانویه ۲۰۱۸

مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی به شیوه مستقیمی موجب شکوفایی جنبش های اجتماعی و انقلابی در کردستان و عراق می گردد.

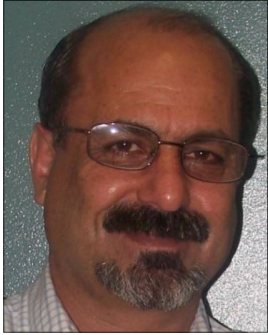
حاکمیت اسلامی - شیعی عراق مستقیما تحت فرمانروایی رژیم ایران است. نقش جمهوری اسلامی در کردستان کم تر از سراسر عراق نیست. حاکمان کردستان همیشه یک پایشان در این رژیم قرار دارد، در نتیجه سست شدن پایه های این رژیم و سرنگونی آن پشت نیروهای ارتجاعی را خالی می کند و روحیه انقلابی مردم را بالا می برد و اعتماد توده های کارگر و زحمتکش و آزادیخواهی به نیروی خود برای ایجاد تغییر و خاتمه دادن به شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی محکم، و نیرومند می کند.

خیزش کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان ایران، وظیفه بسیار مهم و سرنوشت سازی را برعهده ی کمونیست های ایران قرار داده است. جنبش انقلابی علیه گرسنگی و فقر و بیکاری و علیه حاکمیت اسلامی سرمایه به رهبری سیاسی نیاز دارد. عدم تامین این رهبری سیاسی قیام مردم را با مخاطرات جدی مواجه می کند. نباید اجازه داده شود که تجربه انقلاب ۱۹۷۹ تکرار شود. نباید اجازه داده شود، جناح و دسته ی دیگر بورژوازی بر موج مبارزه و انقلاب کارگران و زحمتکشان ایران سوار شده و تلاش و قربانیهایشان را هدر دهد. چون بلایی که ۴۰ سال

توده های کارگر و زحمتکش و مردم ستمدیده و زحمتکش ایران در اکثر شهرهای ایران علیه گرسنگی فقر و بیکاری و بیحقوقی که از جانب رژیم بورژوا اسلامی ایران به آنها تحمیل شده است، به خیابان ها آمده اند. مرکز خیزش و قیام توده ای از شهرهای بزرگ چون تهران و مشهد تبریز و کرمانشاه و سنندج ... و مراکز علمی چون دانشگاه تهران شروع و به سرعت ده ها شهر بزرگ و کوچک را در بر گرفته است.

شعار مردم در مدت کوتاهی راس حاکمیت رژیم اسلامی را نشانه گرفت و توده های مردم بیخاسته می خواهد با رژیمی تسویه حساب کند که به ناحق از سال ۷۹ به همکاری دول غربی بر انقلاب مردم آزادیخواه سوار شد. رژیمی که نزدیک به ۴ دهه است حاکمیت سیاهش را بر جامعه مدنی و مدرن ایران تحمیل کرده و ابتدایی ترین حقوق اقتصادی و سیاسی و مدنی و فرهنگی مردم را زیر پا نهاده است.

اکنون مردم انقلابی ایران بار دیگر تاریخ درخشانی را می نویسند که نه تنها ضربه محکمی به نفع کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان و برابری طلبان ایران بر پیکر حاکمیت اسلامی سیاسی در ایران می زند؛ بلکه در سطح منطقه خاورمیانه پرو بال اسلام سیاسی را می چسند و توازن قوا را به نفع آزادیخواهی و برابری طلبی تغییر می دهد. پیا خاستن مردم ایران و قیام



قیام علیه حکومت اسلامی سرمایه داران! (۵)

پس مانده های "اصلاح طلب" خیلی زود شمشیرها را از رو بستند!

محسن ابراهیمی

پایان دهند. به این معنا به عنوان بخشی از حکومت خود موضوع قیام مردم هستند.

ثانیا، خوب میدانند موجودیت سیاسیشان حتی در نقش رقت انگیز منتقد خودی هم تماما منوط به موجودیت حکومتی است که اینها در حاشیه اش روزگار میگذرانند. وقتی حکومت اسلامی موجود نباشد، روشن است که "منتقد" درون حکومتیش هم دیگر موضوعیت و موجودیت نمیتواند داشته باشد.

اپوزیسیون درون حکومتی حکومت اسلامی تا زمانی موجودیت میتواند داشته باشد که خود حکومت اسلامی پابرجا باشد. با توجه به همه اینها درک این حقیقت سخت نیست که چرا جماعت "اصلاح طلبان" که تا دلتان بخواهد در میانشان سازماندهندگان اولیه جمهوری اسلامی وجود دارند، امروز آشکارا در مقابل مردم پیاخاسته و برای حفظ نظام اسلامی شمشیر میزنند.

موسوی می پلکینند و بعدا زیر عبای بنفش روحانی حضور بهم رسانده بودند، و امروز در لحظات تعرض به روحانی و کل حکومت همه باهم شمشیرها علیه مردم به پاخاسته را از رو بسته اند. در داخل ایران رسانه های مجاز و خودی را به سنگری برای لجن پاشی علیه قیام توده مردم تبدیل کرده اند و در خارج به نوبت پشت دوربین بی بی سی و صدای آمریکا ظاهر میشوند تا از مردم پیاخاسته تصویر خشونت طلب و خرابکار بسازند که گویا به تحریک "خارجیها" به "اموال عمومی" صدمه میزنند و خشونت (!) به خرج میدهند.

چرا این صف درمانده حتی نق زندهای درون حکومتیش را کنار گذاشته و این چنین آشکارا شمشیرها را از غلاف بیرون کشیده است و برای حکومت اسلامی جانفشانی میکند؟ به دلایل بسیار روشنی:

اولا، خیلی از شخصیتهای این صف خود در دوره های مختلف در راس حکومتی بوده اند که امروز مردم مصمم هستند به عمرش

ارگانهای سرکوب و امنیتی و اسلامی اختصاص داده است. بودجه ۹۷ رسما از کابینه دولت اسلامی سرمایه داران سفره تهیدستان را هدف قرار داد. اما همان تهیدستان حتی صبر نکردند سال رسمی پیاده کردن بودجه فرا رسد و خیلی سریع از کف خیابانها رئیس جمهور اسلامی را آماج حمله سراسری قرار دادند. بی دلیل نیست که اولین شعار مردم پیاخاسته "مرگ بر روحانی" بود که بلافاصله با شعار "مرگ بر خامنه ای" تکمیل شد. چرا که پیاخاستگان خوب میدانند که روحانی رئیس قوه اجرایی حکومتی است که خامنه ای در راسش است. و بالاخره شعاری در خیابانها طنین افکند که پایان رسمی یک دوره را علنا اعلام کرد. و این شعار چه بود؟ "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تموم شد ماجرا!"

این شعار به گویا ترین وجهی خاتمه رسمی و علنی دوره ای در فضای سیاسی ایران است. این شعار یک اعلام جنگ علنی به کل ساختار سیاسی حاکم با همه جناحهایش است. اعلام رسمی این حقیقت است که اکثریت محروم و ستم دیده و تحت تبعیض جامعه میدانند اولین قدم برای هر تغییری در وضعیت زندگی اکثریت عظیم مردم و مخصوصا طبقه کارگر عبور از کلیت حکومت اسلامی است. این شعار بیان روشنی از این حقیقت سیاسی است که حتی استفاده تاکتیکی از اختلاف جناحهای حکومتی هم جایی در صحنه سیاسی ایران ندارد.

به این معنا حتی متوهم ترین بخش مردم هم از هر جلوه ای از گفتمان اصلاح حکومت عبور کرده اند اما پس مانده های اصلاح طلبان سالهای گذشته به نحو رقت انگیزی و البته مذنبوحانه و مستاصلانه دارند مقاومت میکنند. این پس مانده ها چه کسانی هستند؟ صحبت بر سر صفی است که زمانی زیر عبای شکلاتی خاتمی و بعد زیر عبای سبز کروی و همرمز مکلاش

یادداشت شماره ۵ مربوط به این بخش از جریان ملی - اسلامی اصلاح طلب است و اگر چه مربوط به دو روز پیش است اما جا دارد به عنوان شماره ۵ همان سلسله یادداشتهای قبلی منتشر شود.

در دور دوم مضحکه انتخاباتی مربوط به روحانی بخشهایی از مردم هنوز این تصور و این توهم را داشتند که شاید با سرکار آمدن جناح "اصلاح و اعتدال" گرهی از گره های زندگیشان باز شود. اما روشن بود که بی پایه بودن این تصور با سرعت خیره کننده ای برملا خواهد شد. نقش روحانی دو لبه بود: با یک لبه قرار بود مردم محروم را همچنان در انتظار نگاه دارد و خطر تقابل نهایی مردم با حکومت را به تاخیر بیناندازد و لبه دیگرش این بود که سیاستهای ریاضت اقتصادی را این بار با قیافه سردار مدافع "حقوق شهروندی" بر طبقه کارگر ایران و تهیدستان تحمیل کند.

خاصیت اصلاح طلبان حکومتی و زائده های برون حکومتیشان برای حکومت اسلامی همیشه این بوده است که تیزی خشم و نفرت مردم علیه کل حکومت اسلامی را کند کنند. در نقش میش ظاهر شوند و حائلی میان مردم و گرگ درنده حاکم باشند.

مدت کوتاهی بعد از نمایش انتخاباتی دور دوم روحانی نگذشت که حتی برای متوهمترین بخش جامعه هم معلوم شود که روحانی در پوشش حقوق شهروندی تعرض تازه ای را علیه حقوق شهروندی آغاز خواهد کرد، به نام حقوق شهروندی دستبرد تازه ای به سفره کارگران و تهیدستان را شروع خواهد کرد و کوچکترین قدمی حتی برای شل کردن چنگال مذهب در زندگی مردم برنخواهد داشت. بودجه سال ۹۷ بیان رسمی این تعرض تازه بود. بودجه ای که ثروت جامعه و محصول دسترنج کارگران را تماما برای فریه کردن و قهرتمند کردن

یک مقدمه کوتاه:

این یادداشت بخش پنجم از سلسله یادداشتهایی است که تحت این عنوان آغاز کرده بودم و مربوط به دو روز پیش است. بخش چهارم این یادداشتها این عنوان را داشت: "رهبر ارتجاع کجاست؟ چرا رجزخوانی نمیکند؟" آنجا از واکنش مستاصلانه خامنه ای در مقابل مردمی که در خیابان شعار "مرگ بر خامنه ای" فریاد میزدند صحبت کرده بودم. اینکه خامنه ای بر خلاف رجزخوانیهای همیشگی اش به جای حضور در مقابل سران سپاه و شاخ و شانه کشیدن به مردم قیام کننده، تعدادی از زنان و مردان بیت را جمع کرده بود و بسیار زبونانه از این صحبت میگرد که حرفهایی با "مردم عزیز" دارد که بزودی خواهد گفت.

در همین چند روز گذشته یک اتفاق افتاده است که مهم است. اعتراضات خیابانی فروکش کرده اند (به نظر من به طور موقت) و سران حکومت دارند از سوراخهایشان بیرون میایند. به واکنش روحانی و خامنه ای در قبال عصیان مردم یادداشتی دیگر خواهم پرداخت. اما علیرغم فروکش کردن موقت نظاهرات خیابانی، هنوز باید به جنبه مختلف قیامی که ۷ تیر آغاز شد پرداخت. یکی از این جنبه ها موقعیت "گفتمان" اصلاح حکومت اسلامی است که قیام اخیر نقطه پایان رسمی و علنی بر آن گذاشت. مردم پیاخاسته با شعارهایشان اعلام کردند که شاخه ها و باندها و جناحهای مختلف حکومت را یکپارچه میدانند و علیه کلیت حکومت به خیابان آمده اند. از نقطه مقابل نه تنها همه جناحهای حکومتی بلکه حتی به "اپوزیسیون" رانده شده های جناح اصلاح هم با دیدن خطر علیه کلیت حکومت مشتتهای کثیف خود را باز کردند و علنا اعلام کردند که زیر عبای خامنه ای و روحانی و علیه مردم به پاخاسته شمشیر خواهند زد.

**تمام آمرین و عاملین
جنايات جمهوری اسلامی
در چند دهه گذشته
باید دستگیر و علنا
محاكمه شوند!**

**کلیه نیروهای
سرکوبگر
جمهوری اسلامی
باید فوراً منحل شوند.**

یادداشت روزانه

طرحی برای گسترش سرکوب!

آرش دشتی

فرماندار تهران از افزایش ۴۰ کلاتری دیگر در پایتخت خبر داد. این مقام امنیتی، افزایش چهل کلاتری را تامین امنیت بیشتر قلمداد کرد.

معلوم است که منظور فرماندار از "امنیت چیست؟" مسلماً، امنیت مردم مد نظرش نیست. کیست نداند که وقتی حاکمیت جمهوری اسلامی از امنیت حرف می زند، منظورش امنیت خودشان است. امنیت بیت و سران جنایتکار و دزدان و اختلاسگران و قاتلان مردم، مد نظرشان است نه امنیت مردم.

مخصوصاً در این ده روز گذشته که خیزش مردم یکباردیگر حکومت ستم و سرکوب را تکان داد و به لبه های سرنگونی نزدیک کرد، خطر سقوط، خواب دیکتاتور را آشفت، و

در صدد برآمدند تا جامعه را و تهران را هرچه بیشتر امنیتی کنند.

امنیت مردم، سی و هشت سال است که به خطر افتاده است. جنگ و ترور و فقر و بیکاری و گرانی و اعتیاد و تن فروشی و بیخانمانی و کارتن خوابی و گورخوابی و کانال خوابی و فاضلاب خوابی و سطل زباله گردی و فروش اعضای بدن و فشارهای روانی و سرکوب کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و کودکان و حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی و هزار درد و مرض دیگر که به جان مردم انداخته اند مصداق های بارز ناامنی است. پر واضح است که عامل ناامنی اقتصادی و اجتماعی و شغلی و روانی، سران و مزدوران حاکمیت جهل و فقر و جنایت جمهوری اسلامی است که مانند بختک بر سر زندگی مردم

سنگینی می کند. مردم در صدد هستند تا از زیر فشار این بختک نکبت بار شانه خالی کنند و هر بار تکانی به خود می دهند تا این سنگینی و سیاهی ننگین را از جا برکنند.

میلیتاریزه کردن شهرها و بستن حصارهای تو در تو گرد پایتخت، نمی تواند در عزم جزم مردم برای برانداختن این واقعا جرثومه ی فقر و فساد و تباهی، خللی ایجاد کند.

این دیوارها به دست مردم فرو خواهد ریخت چنان که دیوارهای باستیل و ساواک و گارد جاویدان پهلوی فرو ریخت. این، نوید و سنت تاریخ مبارزات طبقاتی است و مردم، سازندگان و آلت فعاله ی تاریخند ...

۱۳۹۶-۱۰-۱۹

ترس و عقب نشینی جمهوری اسلامی

آرش دشتی

تا همین جا که هنوز مردم تمام شهرها و روستاها به خیابان نیامده اند و کارگران و معلمان و کارمندان به صورت هماهنگ و سراسری دست به اعتصاب زده اند تا حکومت را فلج کنند، برخی دستگاه های قضایی و اقتصادی رژیم به ترس و تکاپو افتاده اند تا هر طور شده، جلوی شعله ور شدن این آتش سهمگین را بگیرند.

تیراندازی و کشتار مردم بی سلاح در بعضی از روزهای نخست و دستگیری گسترده نتوانست مانع فراگیر شدن جنبش اعتراضی مردم شود، لذا اتاق فکر رژیم سناریوی مصالحه را در دستور گذاشت و به بازوهای دیگر خود فرمان داد تا با برگ های دیگری بازی کنند.

از آنجا که دولت روحانی برای جبران کسری بودجه اش قصد داشت افسار گرانی سازمانیافته را بیش از

پیش باز کند و مردم هم فشار گرانی را لمس کرده اند و مطالبات اقتصادی را در شعارهایشان فریاد می زنند، نظام سرمایه داری حاکم بر ایران نیز می کوشد برای کاهش فشار اعتراضات، یک سری وعده ها را بدهد.

کمیسیون تلفیق مجلس و نوبت سخنگوی دولت اعلام کرده اند که :

۱. قیمت بنزین تا اطلاع ثانوی افزایش نمی یابد!
۲. قیمت نان، گران نمی شود.
۳. نرخ حامل های انرژی در سال ۱۳۹۷ افزایش داده نخواهد شد.
۴. مبلغ وام ازدواج به ۱۵ میلیون تومان افزایش می یابد.
۵. فیلتر از اینستاگرام برداشته شده و تا چند روز آینده هم از تلگرام، رفع فیلتر می شود.
۶. روابط عمومی وزارت ارشاد

انقلاب مردم ایران، انقلاب همه مردم منطقه است

نیازمند حمایت طبقه کارگر و همه آزادیخواهان است!

تنها برای مردم ایران بلکه برای تمامی مردم منطقه است. بزیر کشیدن حکومت اسلامی در ایران یعنی درهم شکستن قلعه نکبت اسلام سیاسی در منطقه. قیام مردم ایران، قیامی علیه دشمن توده های مردم منطقه است. تاثیرات انقلاب مردم ایران گسترده تر از جغرافیای ایران است. به همین خاطر است که تمامی نیروهای مرتجع و اسلامی در منطقه، از حزب الله گرفته تا مالکی، حزب الدعوة و از مجلس اعلای اسلامی و علی بابا گرفته تا اوردوغان، اسد و دیگر کهنه پرستان، همگی صدایشان برای حمایت از حکومت اسلامی بلند شده است. امر و وظیفه طبقه کارگر، مردم زحمتکش و آزادیخواه در منطقه است که بطور جدی از انقلاب مردم ایران حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری چپ عراق تمامی آزادیخواهان، طبقه کارگر و کمونیست ها در منطقه را فرا میخواند که از انقلاب مردم ایران بویژه طبقه کارگر و کمونیسم کارگری برای به پیروزی رسانیدن این انقلاب تا دستیابی به تمامی اهداف رهایی بخش آن حمایت کنند. سرنگونی حکومت اسلامی در ایران، افق برپا کردن انقلابات کارگری و آزادیخواهانه را برای رسیدن به آزادی، برابری و رفاه در منطقه در دستور قرار خواهد داد.

سرنگون باد حکومت اسلامی ایران!
پیروز باد مبارزه انقلابی مردم ایران!
زنده باد مبارزه انترناسیونالیستی و سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری چپ عراق
۵ ژانویه ۲۰۱۸

مردم. اما این کافی نیست و مبارزات مردم تا فروریختن کاخ های ستم ادامه دارد.

۱۳۹۶/۱۰/۱۵

هشت روز است که حرکت انقلابی توده ای در ایران علیه حکومت اسلامی ادامه دارد و همچنان گسترده تر و قدرتمندتر میشود. بیش از هفتاد شهر تاکنون در سراسر ایران در این حرکت شرکت داشته اند. صدها هزار نفر در این حرکت شرکت داشته و نهادهای مختلف حکومتی مورد یورش قرار گرفته اند. تصاویر خامنه ای و دیگر کاربستان حکومت اسلامی پایین کشیده شده و سوزانده شده اند. خودروهای بسیج و سپاه پاسداران و نیروهای مسلح و سرکوبگر حکومت سوزانده شده اند. تاکنون دهها نفر از طرف نیروهای سرکوب حکومت اسلامی مورد اصابت گلوله قرار گرفته و جان خود را از دست داده اند و هزاران نفر بازداشت شده اند. مراکز نیروهای مسلح حکومت در مناطقی مورد حمله قرار گرفته اند.

در ابتدا مردم علیه بیکاری و فقر به میدان آمدند اما بسرعت شعارها و مطالبات مردم از این مرحله عبور کرد و شعارهای، "مرگ بر دیکتاتور"، "حکومت اسلامی نمیخواهیم"، نان، کار، آزادی" و دهها شعار دیگر از سوی مردم در راستای بزیر کشیدن حاکمیت خونین و اعدام اسلامی سر داده شد.

ویژگی این تظاهرات ها این است که جوانان و زنان در سطح گسترده ای در این حرکتها شرکت دارند. پرت کردن حجاب اسلامی به بخشی سمبلیک از این حرکت تبدیل شده است. حکومت اسلامی بعنوان سر منشاء جنبش اسلام سیاسی در منطقه، حامی تمامی نیروهای اسلامی ضد بشری، ضد زن و ضد کارگر است و سر منشاء سرکوب و سیه روزی، جنگ و خانه خرابی نه

پوست کلفت خود احساس کرده است. و این تا همینجا یعنی فروریزی دیوارهای قدرتمندی حکومت و ازین رفتن ترس در دل

صرفنظر از این که مردم تا چه حدی این وعده ها را باور دارند، باید گفت که جمهوری اسلامی این بار ترس و خطر سرنگون شدن را با

اعلامیه سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان در حمایت از حرکت های اعتراضی مردم آزادی خواه ایران

بیش از یک هفته است که کارگران، مردم آزادی خواه و زحمتکش که در اثر سی سال و اندکی حاکمیت اسلامی سرمایه و فقر و فلاکت اقتصادی و ستم و ادبار سیاسی و اجتماعی جان شان به لب رسیده است به میدان آمده و این اعتراضات با مضمون سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی در سراسر ایران و در ابعاد مختلف همچنان ادامه دارد. رژیم فاشیستی اسلامی مانند گذشته برای بقا دست به ارباب و سرکوب وحشیانه زده تا از گسترش و وسعت یافتن هرچه بیشتر "جنبش نان و آزادی" جلوگیری نماید. اما آنچه که روشن است بخش وسیعی از مردم زحمتکش و آزادی خواه دیگر حاضر نیستند به این وضعیت تمکین نموده و زنده گی شان را در فقر و نابرابری و اختناق و ستم سپری نمایند.

اعتراضات سراسری کنونی که بر حق ریشه در نفرت و انزجار نهفته و انبار شده مردم طی سالیان متعددی دارد این بار کیفیتاً متفاوت و بیرون از سیطره سیاسی جناح هایی از قدرت حاکمه و بورژوازی ایران و برای خواست ها و مطالبات اقتصادی، رفاهی و آزادی است. اعتراضاتی که همه جناح های رژیم را نشانه گرفته است در کیفیت جدید و ابعاد وسیع پژوهی از اراده میلیون ها انسان برای خلاصی دایمی و نجات از هیولای هار نظام اسلامی سرمایه در ایران است.

اعتراضات برحق مردم ایران که تا اکنون نیز با ده ها کشته و صدها زخمی و دستگیری هزاران انسان آزادی خواه از جانب دیکتاتوری اسلامی سرمایه جواب گرفته است تبلور حقیقی حرکت و جنبش انسانی است که نان و آزادی می خواهند، مردمی که از بدو به قدرت رسیدن رژیم دار و تعزیر اسلامی سرمایه برای رهایی و خلاصی تا همین امروز با رشادت و دلیری با آن جنگیده و بهای گزافی نیز پرداخته اند. در شرایط حساس

کنونی واضح است که رژیم جنایتکار اسلامی ایران از همه توان و گزینه های در اختیار داشته اش برای سرکوب اعتراضات مردم استفاده می برد. رژیم اسلامی همین امروز برای تفرقه افکنی در میان کارگران و مردم زحمتکش دست به فاشیستی ترین وسیله اختلاف اندازی برده و مزدورانی را که خود زیر پرچم "لشکر فاطمیون" برای پیش برد سیاست های ارتجاعی اش در سوریه سازمان داده بود، و عمدتاً از پناهنده گان افغانستانی و شیعه مذهب هستند، به عنوان ابزار سرکوب بسیج نموده و به جان مردم معترض انداخته است تا از یک جهت تا ناآگاهی این لشکر کثیف و مزدور در سرکوب اعتراضات نفع برده و از جانب دیگر با تشهیر چنین وسیله سرکوبی، در ضمن جلوگیری از سهم گیری مهاجران افغان در جنبش های اعتراضی مردم، آتش مخاصمت مردم ایران را چه علیه کارگران مهاجر افغان در ایران و چه مردم افغانستان در مجموع شعله ور سازند.

تاریخ و تجربه تمام خیزش های آزادیخواهانه نشان داده است که هر استبداد طبقاتی و مذهبی با وجود تمام خون پاشیدن ها بر قلمرو مردان و زنان آزادی خواه، نتوانسته است برای ابد داوم بیاورد و بالاخره جاروب شده است. رژیم اسلامی سرمایه در ایران نیز نمی تواند تا ابد با تکیه بر کشتار و سرکوب های وحشیانه آزادی خواهان دوام آورد. با به میدان آمدن طبقه کارگر ایران و فراتر رفتن اعتراضات زحمتکشان از فرم و قالب جاری ارائه الترناتیو کارگری به مبارزه طبقاتی در ایران شکل و محتوای دیگری می بخشد که سر انجام بساط ستم و فقر و ارتجاع سرمایه در وجود حاکمیت اسلامی را بر خواهد انداخت؛ رژیم جمهوری اسلامی با وجود در اختیار داشتن ابزار سرکوب و قدرت قهری، این بار در وضعیتی نیست که بتواند به

سرنگون باد رژیم جمهوری

اسلامی سرمایه!

زنده و پیروز باد جنبش

اعتراضی جاری!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان

سوسیالیست های کارگری

افغانستان

جلی ۱۳۹۶ / جنوری ۲۰۱۸

بیانیه ندای زنان ایران زندگی حق ماست!

در روزهای اخیر اعتراضات و تجمعاتی همچون طوفان به سرعت همه ی ایران را درنوردید و دنیای سیاست را لرزاند و در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ فراگیر شد و تمام جوانب زندگی مردم را تحت تاثیر قرار داد. اعتراضاتی که با کنش های اجتماعی تاکنونی ایران تفاوتی عمده داشت و آنهم خصلت بی واسطه بودن و شفافیت خواسته ها و مطالبات جاری در خیابان و دانشگاه ها با فریاد نان و معیشت بود فریادی که اتفاقاً شهرهای محروم را با انرژی بیشتری به میدان کشید مناطقی محروم از جغرافیای ایران که اسامی آنها کمتر شنیده شده بود اما به صدر خیرها آمدند و در کنار شهرهای بزرگ در اعتراض به بیکاری، فقر و گرانی نقش آفرینی کردند.

در این میان، زنان که یک نیروی اصلی در اعتراضات و تجمعات بودند به میدان آمدند که بگویند نه فقط از فقر و بیکاری و گرانی که دامنگیر پیر و جوان و زن و مرد این مملکت است به تنگ آمده اند بلکه می خواهند به مناسبات و قوانین ضد زنی که ارماغانش فرودستی زنان بوده است و به یغما رفتن زندگیشان به عنوان انسان پایان دهند.

زنانی که بیشترین بخش دستفروشان و کارگران خدماتی و به طور کلی ردیف مشاغل بی ثبات اجتماعی را تشکیل می دهند و در آمارها خبر از بیکاری دو برابرشان نسبت به مردان می آید!

در فیلمهایی که در این چند روز از تجمعات و اعتراضات منتشر میشد می دیدیم که:

* زنی تن فروش در میان جمعیت از درماندگی اش می گفت و حرمت انسان را فریاد میزد.

* زنی که از بییکارسازی ها و معوق ماندن دستمزدها و نبود ارگان پاسخگوی کارگران به فغان آمده بود.

* زنی که دل به دریای آهنین سپهرهای مامورین زد و با تمام وجود بیرون ریخت

* همه ی این سالها پر از تبعیض و ستم را و هزاران هزار زنی که دیگر جز اعتراض چاره ای نیافتند!

و این در حالیست که همه

مسئولین حکومتی در سخن، خود را خدمتگزاران مردم و مردم را ولی نعمتان خود معرفی میکنند و به برحق بودن اعتراضات اذعان داشتند. در عمل، راه حلشان برای مردم به جان آمده سرکوب و زندان و کشتار بود و اینچنین بود که پاسخ اعتراضات مردم به گرانی، فقر، بیکاری و تبعیض، صدها نفر دستگیری و کشته شدن ۲۰ نفر از معترضان از سوی مدرن ترس دستگاه های سرکوب داده شد و این روزها هم شاهد مرگ چندین جوان معترض در زندان ها می باشیم که نگرانی مردم و خانواده ها را برای تکرار فجایعی مانند کهریزک را ایجاد کرده است.

بی شک اعتراضات مردمی را هرگز نمیتوان با سرکوب ریشه کن کرد و به یقین این موج با قدرتی سهمگین تر خواهان زندگی انسانی خواهد بود.

از اینرو ما زنان که بیشترین تبعیض را متحمل شده ایم و ساهاست چماق سرکوب برای حجاب اجباری را تجربه کرده ایم زندگی برابر و انسانی را حق خود میدانیم و برای کسب پیروزی بیش از پیش برخواسته ها و مطالبات برحقمان پای میفشاریم و همراه با همه کسانی که خواهان یک زندگی در شان انسان هستند خواهان:

* آزادی بی قید و شرط تمامی معترضان دستگیر شده

* شناسایی و محاکمه همه آمرین و عاملین کشته شدن معترضان

* به رسمیت شناختن حق اعتراض تجمعی و تحصن به عنوان ابتدایی ترین حقوق شهروندی

* برچیده شدن تمام قوانین ضد زن

* نان کار آزادی" و در یک کلام امنیت و رفاه برای همه شهروندان ندای زنان ایران داشتن یک زندگی انسانی را حق مسلم همه شهروندان میدانند و برای دستیابی به آن از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

بتر سید، بتر سید، ما همه با هم هستیم! زنده باد تجمع کنندگان مقابل اوین

از ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۱۹ دی جمعیت قبل توجهی از مردم در مقابل زندان اوین تجمع کردند و همراه با خانواده های بازداشت شدگان خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان اعتراضات اخیر و کلیه زندانیان سیاسی شدند. شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دانشجوی بیگناه آزاد باید گردد و شعار کوبنده بترسید بترسید ما همه با هم هستیم که در مقابل حکومتیان و سرکوبگرانشان فریاد زده میشود، صحنه هایی به یادگار ماندنی از مبارزات انقلابی مردم ایران را به نمایش گذاشت. مامورین انتظامی تلاش کردند با حمله به تجمع کنندگان و دستگیری تعدادی از آنان این تجمع را متفرق کنند. اما تلاش آنها در مقابل اتحاد زنان و مردان شجاعی که در مقابل آنها سینه سپرده و شعار میدادند ناکام ماند. یک صحنه پرشور این تجمع، آزادی چند نفر از دانشجویان و

زندانیان عقیدتی بود که با کف زدن جمعیت روبرو شد. تجمع کنندگان اعلام کرده اند که کلیه دستگیرشدگان اعتراضات اخیر و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً بی قید و شرط، بدون وثیقه و بدون تشکیل پرونده قضایی آزاد شوند و نیروهای انتظامی و لباس شخصی از دانشگاه و کوی دانشگاه خارج شوند و به فضای تهدید و دستگیری پایان داده شود. اعتراض علیه دستگیری ها و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران و خارج کشور وسعت بیشتری گرفته و این خواست و این شکل از اعتراض این ظرفیت را دارد که به مبارزه ای وسیع و گسترده در سراسر کشور تبدیل شود. خانواده های دستگیرشدگان اعلام کرده اند تا آزادی عزیزان خود به تجمع ادامه خواهند داد. امروز نیز قرار است از ساعت سه بعدازظهر مردم به خانواده ها ملحق شوند.

حزب کمونیست کارگری به خانواده های دستگیرشدگان، به دانشجویان و مردمی که در تجمعات مقابل اوین شرکت میکنند درود میفرستد و کلیه مردم را، کارگران و دانشجویان، تشکل های کارگری، نویسندگان و هنرمندان پیشرو و معترض را، معلمان و بازنشستگان و تشکل های مختلف را فرامیخواند که با حضور در این تجمع و یا با ارسال پیام و هر شکل دیگری که میتوانند این مبارزه را تقویت کنند. امروز خواست آزادی زندانیان سیاسی، به خواست فوری و محوری مردم تبدیل شده و باید با تمام قوا به آن پیوست.

امروز ساعت ۳ بعدازظهر
مقابل اوین

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ دیماه ۱۳۹۶، ۱۰ ژانویه
۲۰۱۸

اعتصابات کارگری علیرغم تشدید فضای امنیتی گسترش می یابد

در روزهای اخیر اعتصابات کارگری در حال گسترش است. کارگران همچنان با تاکید بر خواسته های خود به اعتراضات و اعتصابات ادامه میدهند. از جمله در کارخانه هپکو، نساجی قائم شهر، شرکت حمل و نقل خلیج فارس، نیروگاه یزد، شرکت های نفتی غرب کارون، روغن نباتی قو، هفت تپه، سد سفارود گیلان، رانندگان کامیون های سوخت رسانی در اصفهان و یزد و ماشین آلات تراکتور سازی تبریز، فازهای ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی در عسلویه در روزهای گذشته کارگران دست به اعتصاب و تجمع زده اند.

جمهوری اسلامی از وحشت گسترش بیشتر اعتراضات، فضای امنیتی را در برخی مراکز کارگری از جمله در واحدهای تولیدی عسلویه و اراک تشدید کرده و کنترل

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دیماه ۱۳۹۶، ۱۲ ژانویه
۲۰۱۸

رانندگان سوخت رسانی پالایشگاه در اصفهان و یزد اعتصاب کردند

در اصفهان و استانهای مجاور شده است. بسیاری پمپ بنزین ها تعطیل بوده و فقط بعضی از پمپ بنزین ها بمقدار محدود بنزین دارند. بنا به گزارشهای رسیده از همان روز ۱۹ دی رانندگان کامیونهای سوخت رسانی یزد نیز به اعتصاب پیوسته اند. بنا به این گزارش جایگاههای سوخت در یزد نیز با صفهای طولانی خودروها برای گرفتن سوخت مواجه هستند. مردم علیرغم مشکلات سوخت گیری از اعتراض و اعتصاب رانندگان حمایت میکنند.

اعتصاب رانندگان نفتکشهای سوخت رسانی پالایشگاه که از سه شنبه شب ۱۹ دی شروع شده همچنان ادامه دارد. بنا به گزارشها رانندگان ۵۰ دستگاه از نفتکش های پالایشگاه اصفهان در اعتراض به واسطه گری "طرح برندنینگ شرکت پخش فرآورده های نفتی اصفهان" دست به اعتصاب زدند. اقدام به واسطه گری، درآمد ماهانه رانندگان را به نصف کاهش می دهد و رانندگان خواستار حذف برندنینگ و برطرف کردن مشکلات بارگیری گازوییل و نفت هستند.

اعتصاب بعد از دو روز همچنان ادامه یافته و باعث ایجاد صفهای طولیل در برابر جایگاه های سوخت

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دیماه ۱۳۹۶، ۱۲ ژانویه
۲۰۱۸

کارگران هپکو در مرکز اراک راهپیمایی کردند

با خانواده های خود علیه فقر و گرانی و بی تامینی دست به راهپیمایی در مرکز شهر اراک زده و همبستگی وسیعی را به خواست های بحق خود و اعتراضات کوبنده خود جلب کرده اند. اعتراض و تجمع مشترک و قدرتمند کارگران هپکو و آذرب در پاییز امسال و مقابله متحدانه آنها علیه سرکوبگران حکومت با شعار مزدور برو گمشو، نیز با موجی از همبستگی در سطح کشور مواجه شد. اعتراضات کارگران هپکو پیشروی های مهمی برای جنبش کارگری داشته و راهپیمایی آنان در روز نوزدهم دیماه که مردم در سراسر کشور علیه فقر و محرومیت و بیحقوقی خیزش انقلابی خود را شروع کرده اند، انعکاس بسیاری در شهر داشته و با استقبال وسیع مردم مواجه شده است.

روز ۱۹ دیماه بار دیگر شهر اراک شاهد راهپیمایی کارگران هپکو در مرکز این شهر بود. هزار کارگر هپکو که از پنجم دیماه در اعتراض به سر میبرند و به خواست هایشان از جمله خواست امنیت شغلی و پرداخت فوری پنج ماه دستمزد پاسخ داده نشده، از کارخانه به سمت فرمانداری و استانداری راهپیمایی و در مقابل استانداری دست به تجمع زدند.

طبق گزارشی که به حزب رسیده است امروز بیست دیماه نیز کارگران هپکو در اعتصاب هستند. این اعتصاب در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق صورت گرفته است. کارگران کارخانه هپکو از روز پنجم دی ماه در اعتصاب بسر می برند و اعلام کرده اند تا زمانی که به خواست هایشان رسیدگی نشود به اعتصاب و تجمع ادامه خواهند داد. کارگران هپکو از یکسال قبل بارها با سرود زیر بار ستم نمیکیم زندگی، و همراه

خیزش انقلابی مردم در صد شهر در سراسر کشور ادامه همین اعتصابات و اعتراضات کارگران و

زنده باد کارگران هپکو
زنده باد جنبش انقلابی و
آزادیخواهانه مردم ایران
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ دیماه ۱۳۹۶، ۱۰ ژانویه
۲۰۱۸

قتل سه تن از عزیزان مردم را محکوم میکنیم حکومت جنایتکاران باید سرنگون شود

عادلی فرا میخواند. تصاویر این عزیزان را در تجمعات و تظاهرات بعدی باید بر سر دست بلند کرد و خشم خود را نسبت به این جنایات ابراز کرد. جمهوری اسلامی نباید بتواند از زیر بار پاسخگویی در مورد این قتل و جنایت خود را خلاص کند. کسانی که در قتل این سه تن عزیزان مردم دست داشته اند باید معرفی و علنا محاکمه شوند. همه دستگیر شدگان اعتراضات اخیر و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ دیماه ۱۳۹۶، ۹ ژانویه
۲۰۱۸

مصممند خود را از شر این قاتلین و جنایتکاران خلاص کنند و خلاص خواهند کرد. جنبش توده ای گسترده ای برای سرنگونی این حکومت در ایران جریان دارد و تا پیروزی کامل از پای نخواهد نشست. این را مردم بارها نشان داده اند که با جنایات حکومت اسلامی نه فقط عقب نمی نشینند بلکه عزمشان برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی جزم تر خواهد شد. این حکومت با کل قوانین و ارگانها و زندانها و شکنجه گران از صحنه جامعه جارو خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران، معلمان، دانشجویان و مردم شریف را به اعتراض به قتل سینا قنبری، وحید حیدری و محسن

پس از خبر مرگ "سینا قنبری" در زندان اوین و "وحید حیدری" در اراک، خبر دیگری حاکی از "خودکشی" محسن عادلی گزارش شده است. بنا به خبرها محسن عادلی روز ۱۱ دی دستگیر شد و بعد از ۲ روز جسدش را با ادعای این که در زندان خودکشی کرده تحویل دادند.

طی یک هفته حداقل سه تن از عزیزان مردم را به جرم آزادیخواهی در زندانها کشته اند. ما خود را در کنار خانواده ها و بستگان این عزیزان میدانیم. جمهوری اسلامی حکومت جنایت و کشتار است و دستش به خون هزاران تن از عزیزان مردم آلوده است. این حکومت باید به زیر کشیده شود. مردم ایران



کارگران هفت تپه دست به اعتصاب زدند

معوقه پرداخت خواهد شد. در این نشست همچنین مقرر شد نماینده های کارگران برای تحقق دیگر خواسته های کارگران منجمله خواست مهم آنان در مورد قراردادی شدن کارگران پیمانکاری و روزمزد، نشستی را با قائم مقام جدید مدیر عامل طی روزهای آتی داشته باشند.

کارگران اعلام داشتند چنانچه قائم مقام جدید کارخانه تعهداتی که داده است را عملی نکند آنها بلافاصله دست به اعتصاب نامحدود خواهند زد. لازم به توضیح است که صبح روز شنبه شانزدهم دیماه نیز شماری از کارگران نی بر هفت تپه برای پنجمین بار در اعتراض به وضعیت نامعلوم بازنشستگی شان، مقابل درب ورودی این مجتمع صنعتی تجمع کردند. ۳۰۴ نفر از کارگران نی بر هفت تپه از چهار سال قبل منتظرند تا هزینه های مربوط به بازنشستگی آنان به سازمان تامین اجتماعی پرداخت و مستمری های آنها برقرار شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ دیماه ۱۳۹۶، ۷ ژانویه
۲۰۱۸

از ساعت ۹ صبح امروز ۱۷ دی کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به عملی نشدن وعده های مدیریت و مقامات مسئول در مورد پرداخت بدهی های کارگران، بطور یکپارچه دست به اعتصاب زدند و کار را تعطیل کردند. با شروع اعتصاب جمع هایی از کارگران با تجمع در مقابل یارد بزرگ کارخانه و بستن این قسمت از ورودی کارخانه مانع حمل نیشکر به داخل شرکت شدند.

با شروع اعتصاب و تجمع کارگران، کاظمی قائم مقام جدید مدیر عامل کارخانه با حضور در میان کارگران اعتصابی، آنان را به مذاکره دعوت کرد و به کارگران وعده داد که اینبار تا پایان هفته حتما تمامی خواسته های کارگران عملی خواهد شد و از آنان خواهش کرد که اعتصاب را پایان دهند. او اعلام کرد که اختیارات تام برای عملی کردن خواسته های کارگران را دارد و اوست که در برابر کارگران پاسخگو خواهد بود. او ضمن دادن تعهد در مورد به روز رسانی حقوق های کارگران، نسبت به خواست اصلی آنان که مربوط به پرداخت حقوق ماههای بهمین و اسفند سال ۹۴ است اعلام کرد تا پایان هفته جاری، این دو ماه حقوق

**تراکت های حزب
کمونیست کارگری ایران
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید**
www.wpiran.org
**به حزب کمونیست
کارگری ایران بپیوندید**



خانواده های زندانیان در مقابل اوین تحصن کردند

دستگیر کرده است. تعداد دقیق دستگیر شدگان اعتراضات اخیر معلوم نیست. اما گزارشها گویای اینست که بیش از دو هزار نفر تاکنون دستگیر شده اند. جنبش گسترده ای برای اعلام اسامی و شمار دستگیر شدگان توسط نهادهای مختلف مردمی در جریان است. اسامی دستگیر شدگان شهر به شهر و دانشگاه به دانشگاه اعلام شده و تکمیل تر میشود و خانواده های دستگیر شدگان در مقابل زندان ها و دیگر مراکز حکومتی دست به تجمع میزنند. جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراضات، روز شنبه ۱۶ دی تعدادی از دستگیر شدگان را آزاد کرد و به خانواده ها وعده داد که روز یکشنبه شمار دیگری را آزاد کند. اسماعیل عبیدی از رهبران سرشناس معلمان نیز تحت عنوان مرخصی از

در تهران شماری از خانواده ها در برابر زندان اوین چادر زده و تحصن کرده اند. جمعی از دانشجویان با حضور در تجمع و تحصن خانواده ها از این حرکت حمایت کردند. خانواده های دستگیر شدگان که گفته میشود به بیش از دو هزار نفر رسیده است، همچنین در مقابل کلانتری ها و بازداشتگاههای شهرهای دیگر دست به تجمع زده و خواهان آزادی فوری عزیزان خود شده اند. این شکلی مهم از اعتراضات مردم به موازات تجمعات و اعتراضات خیابانی است. و با تمام قوا باید این نوع حرکات را که امکان حضور خانواده ها و اقشار مختلف مردم را تأمین میکند تقویت کرد. جمهوری اسلامی برای عقب راندن اعتراضات مردم در تمام شهرها به تظاهر کنندگان حمله میکند و تاکنون شمار بسیاری را

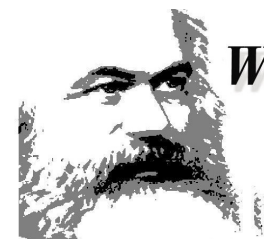
بتر سید، بتر سید، ما همه با هم هستیم!

خانواده های دستگیر شدگان در دستگرد اصفهان هم تجمع کردند

زنان ایران نیز طی بیانیه هایی خواهان آزادی دستگیرشدگان شده اند. تجمع کنندگان مقابل اوین نیز در تجمعاتشان اعلام کردند که کلیه دستگیرشدگان اعتراضات اخیر و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً بی قید و شرط، بدون وثیقه و بدون تشکیل پرونده قضایی آزاد شوند و نیروهای انتظامی و لباس شخصی از دانشگاه و کوی دانشگاه خارج شوند و به فضای تهدید و دستگیری پایان داده شود.

امروز ۲۱ دی خانواده های دستگیرشدگان اعتراضات اخیر در مقابل اوین در دستگرد اصفهان هم تجمع کردند و خواهان آزادی فوری عزیزان خود شدند. تجمعات اعتراضی برای آزادی دستگیرشدگان باید به همه شهرها گسترش داده شود. مبارزه برای آزادی دستگیرشدگان اعتراضات اخیر و کلیه زندانیان سیاسی به یک خواست محوری و مهم مردم تبدیل شده است. تشکل های مختلف کارگری، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، کانون نویسندگان، مادران پارك لاله و ندای

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ دیماه ۱۳۹۶، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۸



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

سوزندان کارت عضویت در بسیج و نیروی انتظامی

با شروع مبارزات اخیر مردم علیه جمهوری اسلامی، حرکتی در صفوف نیروهای سرکوب حکومت از جمله بسیجیان و نیروهای انتظامی برای پیوستن به صف جنبش مردم به راه افتاده است. در روزهای اخیر دهها نفر از آنها کارت های خود را جلوی دوربین آتش زده و با شعار مرگ بر خامنه ای اعلام کرده اند که دیگر حاضر به ادامه ننگ خدمت به حکومت اسلامی نیستند و دیگران را نیز به ترک صفوف حکومت فرا میخوانند. این حرکت بازتاب گسترده ای در رسانه های اجتماعی و مشخصاً کانالهای تلگرام پیدا کرده و فراخوانهایی خطاب به بسیجیان و افراد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی توسط نیروهای مردمی داده شده است که خود را از ننگ همکاری بیشتر با حکومت منفور اسلامی خلاص کنند و به صف مردم پیوندند.

جمهوری اسلامی يك حکومت تماماً منفور است و بقا و موجودیت کثیف آن تماماً به نیروهای مسلح مزدور گره خورده است. این حکومت مطلقاً هیچ پایگاهی در میان مردم ندارد و بدون نیروهای مسلح مزدور يك روز هم دوام نخواهد داشت. گسترش اعتراضات مردمی هریار شکافهای تازه ای در میان حاکمین ایجاد میکند. بسیاری از بسیجیان و نیروهای انتظامی افرادی هستند که از فرط بیکاری و فقر به خدمت این حکومت کشانده شده اند. آنها خود

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ دیماه ۱۳۹۶، ۵ ژانویه ۲۰۱۸

انترناسیونال

نشریه حزب
کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternational@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

سخنرانی آقای هانس پالم کویست، دبیر اتحادیه سراسری کارگران صنایع فلزی سوئد در تظاهرات سرگلس توری استکهلم، ششم ژانویه ۲۰۱۸



کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری سوئد در طی سالهای اخیر درباره نحوه رفتار با تعدادی از رهبران تشکلهای صنفی در کشور به رئیس جمهور ایران اعتراض کرده‌اند. این اعتراضات در مورد افراد زیر بوده است:

جعفر عظیم‌زاده، دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران، که به پنج سال زندان محکوم شده است. محمود صالحی، رهبر اسبق اتحادیه خبازان، محکوم به نه سال زندان که از بیماری کلیوی رنج میبرد. اسماعیل عبدی، دبیر کانون صنفی معلمان ایران، که به شش سال زندان محکوم شده است و محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران، که به چهارده سال زندان محکوم شده است. همچنین در مورد رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، که در زندانی که محکومیت شش ساله خود را سپری میکند همین یکی دو هفته پیش دچار سکته شد. علاوه بر این، او از صدمات ناشی از شکنجه که در زندان به او وارد شده به شدت رنج میبرد.

این رهبران فقط چند نمونه از خیل فعالان اتحادیه‌های هستند که زندانی، محکوم و غالباً شکنجه

مقاومانه شماره ۹۸ درباره مذاکرات دستجمعی را. حتی مقاومانه شماره ۱۳۸ درباره حداقل سن برای اشتغال را هم امضا نکرده است.

شرایط در بازار کار سخت است، بالاخص برای زنان. وجه مشخصه شرایط کار عبارت است از دستمزد پایین، روزکار طولانی و فقدان ایمنی در محیط کار. نداشتن امکان تأثیرگذاری شاغلان چشمگیر است. با وجود آنکه قانون کار اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده، کار کودکان رواج دارد.

کارگران ایران، روی کاغذ، حق ایجاد اتحادیه‌های صنفی را دارند، اما در عمل هیچ نظام صنفی متشکلی در کشور وجود ندارد. دولت هیچ تشکل صنفی‌ای را به رسمیت نمیشناسد الا آنهایی را که کاملاً وابسته به دولت و تحت کنترل آن هستند. آن تشکلهای صنفی آزاد و مستقلی هم که به رغم اینها وجود دارند جلوی انجام کار صنفی روزانه آنها گرفته میشود.

تظاهرات، تجمعات علنی، اعتراضات خودجوش و اعتصابات با خشونت سرکوب میشود و شرکت کنندگان در آنها را خطر دستگیری تهدید میکنند. رهبران سازمانهای صنفی مستقل دائماً در معرض تهدید، خشونت و ضرب و شتم قرار دارند و به زندان میافتند که در آن شکنجه شدن عادی است. تمام اینها فقط به خاطر این است که شخص از حق به رسمیت شناخته شده بین‌المللی خود برای دفاع از حق کارگران استفاده کرده است.

اتحادیه کارگران صنایع فلزی به اتفاق اتحادیه کارگران حمل و نقل، اتحادیه کارگران شهرداریها و

حضر محترم

من هانس پالم کویست هستم، نماینده صنفی - سیاسی اتحادیه کارگران صنایع فلزی که کارگران صنعتی سوئد را متشکل میکند. من به اینجا آمده‌ام تا پشتیبانی خودم و اتحادیه صنایع فلزی را از مبارزه مردم ایران برای آزادی ابراز کنم؛ مبارزهای برای حقوق انسانی و دموکراسی.

دموکراسی مستلزم حقوق انسانی است تا بتواند عمل کند. حقوقی مانند آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق تجمع و تظاهرات. خودم قصد دارم که راجع به مبارزه برای حق تشکلیابی صنفی صحبت کنم، حتی که اگر نخواهم چیزی بگویم، دستکم باید بگویم که امروزه در ایران نقض میشود.

حالا چرا تشکلیابی صنفی مهم است؟ برای اینکه وقتی انسانها باهم مبارزه میکنند به دستاوردهای به مراتب بیشتری میتوانند نائل شوند تا آنکه هر کسی به تنهایی مبارزه‌اش را پیش ببرد. انسانها به کمک یکدیگر میتوانند بر کار خود، بر محیط کار، بر دستمزد و بر شرایط مهم دیگر اعمال نفوذ کنند. طبعاً این برای فرد خوب است، اما این چیزی است که در جوامع احساس ایمنی و ثبات ایجاد میکند. اتحادیه‌های آزاد و مستقل یکی از مؤثرترین وسایل برای تحکیم جنبشهای دموکراتیک و ارتقای رفاه مردم هستند.

آزادی تشکیل اتحادیه در ایران بیش از حد محدود است. ایران مقاومانه پایهای سازمان جهانی کار در مورد حقوق اساسی صنفی را امضا نکرده است؛ نه مقاومانه شماره ۸۷ درباره حق تشکل را و نه

و به تمام شما که برای دموکراسی، حقوق انسانی و حق تشکل مبارزه میکنید تا بتوانید شرایط زندگی تان را بهتر کنید می‌خواهم بگویم که: در این مبارزه نباید خود را تنها احساس کنید! برای ما فعالان جنبش اتحادیه‌ای سوئد همبستگی بین‌المللی امری جدی است. ما در مبارزه برای دموکراسی و حقوق انسانی و صنفی دوشادوش شما هستیم. و ما سرانجام پیروز خواهیم شد!

شده‌اند، تنها به خاطر اینکه اینها از حق انسانی خود برای متشکل شدن در یک تشکل صنفی آزاد و مستقل استفاده کرده‌اند. اینها نمونه‌هایی از عدم مطلق رعایت حقوق اساسی انسانی توسط رژیم و دستگاههای قضایی ایران هستند. ما، تشکلیافتگان صنفی در سوئد، پیگیر و زندانی کردن فعالان اتحادیه‌های آزاد و مستقل ایران را محکوم میکنیم.

من خواست خودمان را از رژیم ایران در اینجا تکرار میکنم که اینها فوراً باید آزاد شوند و از تمامشان باید رفع اتهام شود.

**همه زندانیان سیاسی و
دستگیر شدگان
اعتراضات اخیر فوراً
باید آزاد شوند.**

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵/۲۱
Worker-communist Party Of Iran

**به حزب کمونیست
کارگری ایران بپیوندید**